

مسیحیت



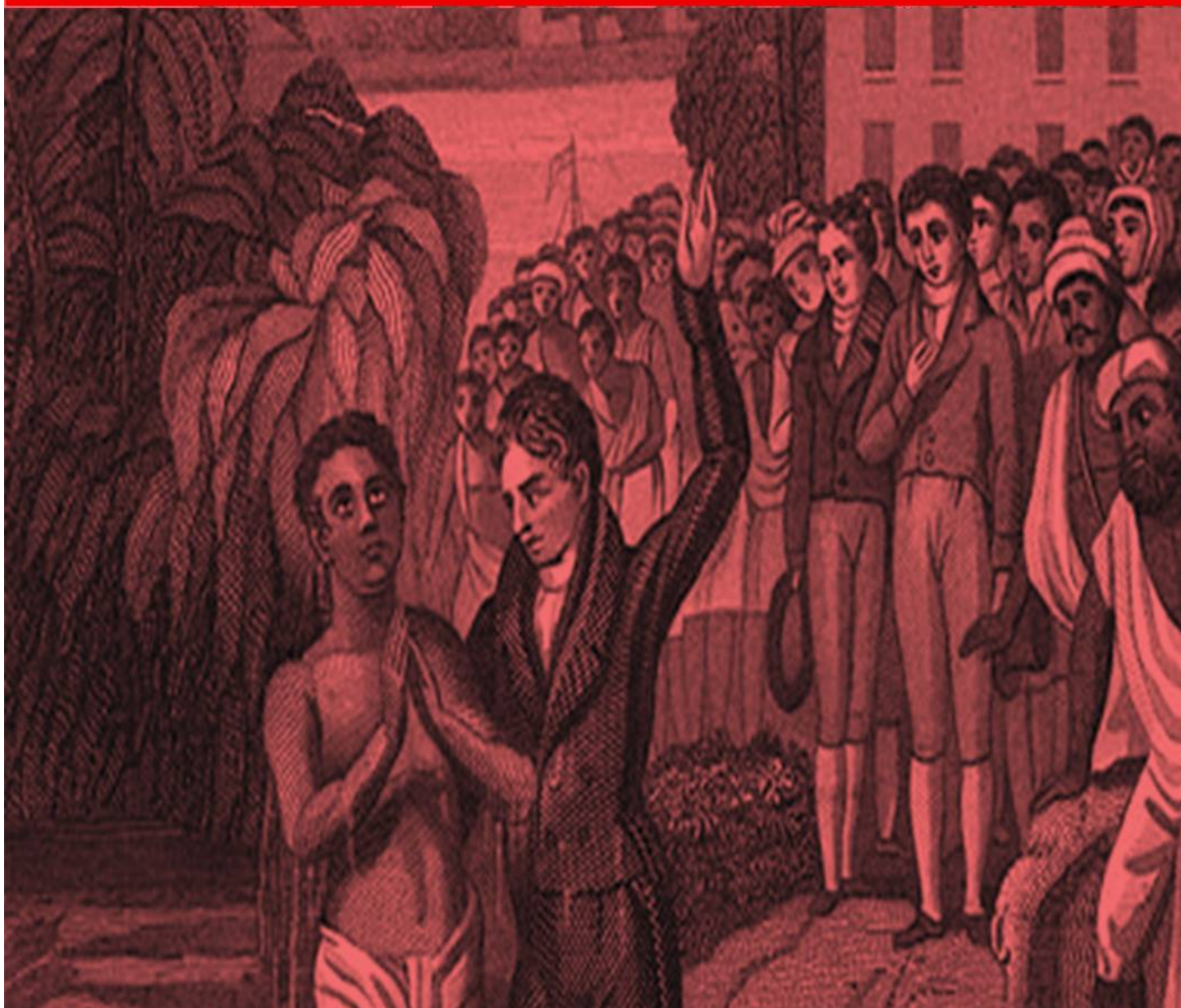
پندار ادیان، فرق و مذاهب

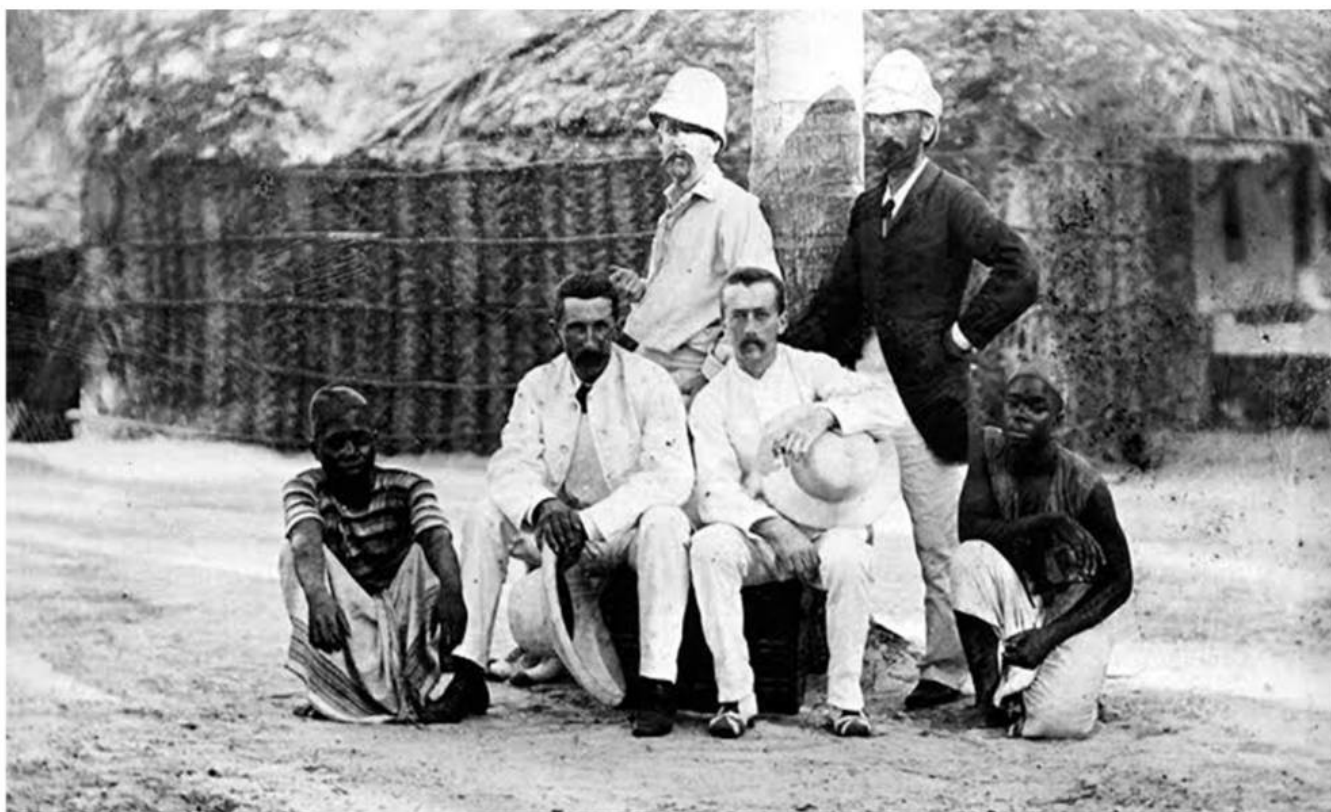
۱۶



sarabehaghighat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / خرداد ۱۴۰۵ / قم / شماره ۱۶





بین رو، مواجهه مؤثر با آن نیز صرفاً امنیتی یا صرفاً اعتقادی نیست، بلکه نیازمند ترکیبی از آگاهی‌بخشی، تقویت هویت دینی و ملی، پاسخ‌گویی فرهنگی و رصد هوشمندانه است

امید است این مجموعه، گامی برای فهم روشن‌تر ماهیت، تاریخچه، شیوه‌های عمل و پیامدهای مسیحیت تبشیری باشد و زمینه گفت‌وگویی دقیق‌تر و مسئولانه‌تر را در میان نخبگان فرهنگی و اجتماعی فراهم سازد.

نام نشریه: ماهنامه سراب حقیقت؛ **موضوع:** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریان‌های انحرافی / خرداد ۱۴۰۵ / **صاحب امتیاز:** گروه فرهنگی و تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمدجواد نصیری / **سردبیر:** امین رضایی نژاد / **گرافیک:** تیم رسانه‌ای سراب حقیقت / **هیئت تحریریه:** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندر؛ علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، عبدالرحیم بیرانوند، حسین عرب، امین رضایی نژاد، محمدجواد نصیری، مهدی سراقی. راه ارتباطی در پیام‌رسان ایتا @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی

sarabehaghighat.ir

aparar.com/sarabehaghighat

@sarabehaghighat

از تبشیر تا نفوذ؛ ضرورت شناخت مسیحیت تبشیری

یادداشت سردبیر: امین رضایی نژاد

مواجهه با پدیده‌های فرهنگی و اعتقادی، پیش از هر چیز نیازمند شناخت دقیق، منصفانه و روشمند است. مسیحیت تبشیری از جمله جریان‌هایی است که در سال‌های اخیر، به دلیل بهره‌گیری از ابزارهای نوین رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، کلیساهای خانگی و شیوه‌های عاطفی و روان‌شناختی جذاب، از سطح یک دعوت صرفاً مذهبی فراتر رفته و به مسئله‌ای چندبعدی در حوزه فرهنگ، هویت، اجتماع و امنیت تبدیل شده است.

این نشریه در پی آن نیست که مسیحیان تاریخی، اقلیت‌های رسمی یا باورمندان سستی مسیحی را موضوع نقد قرار دهد؛ بلکه تمرکز آن بر جریانی خاص است که با عنوان مسیحیت تبشیری شناخته می‌شود و در روش، هدف، ساختار و پیوندهای فکری و سیاسی، تفاوت‌های جدی با میسیونری سستی دارد. بی‌توجهی به این تفاوت‌ها می‌تواند تحلیل ما را سطحی، واکنشی و ناکارآمد کند.

اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم تبشیر نوین، تنها با مناظره کلامی یا تبلیغ مستقیم پیش نمی‌رود؛ بلکه از خلأهای عاطفی، بحران‌های هویتی، مشکلات اجتماعی و جذابیت‌های رسانه‌ای برای اثرگذاری بر مخاطب بهره می‌گیرد. از



تبشیر

واژه «تبشیر» در فضای دینی و سیاسی معاصر، فراتر از یک اصطلاح ساده مذهبی، بیانگر یک جنبش جهانی با ابعاد پیچیده است. این مفهوم که در قلب هویت مسیحیت، به ویژه شاخه پروتستان، جای دارد، در طول تاریخ از یک دعوت معنوی ساده به یک ساختار سازمانی و الهیاتی گسترده تبدیل شده است.

ماهیت تبشیر

تبشیر در لغت به معنای «بشارت دادن» و «مژده آوردن» است و معادل انگلیسی آن mission به معنی فرستادن، روانه کردن یا اعزام کردن است. این لغت در کاربرد فعلی اش به معنای اعزام به مأموریت، اعطای مأموریت به فردی برای انجام آن و اداره هیأت مذهبی بین مردم می‌باشد. معنای اصطلاحی این واژه تبلیغ و ترویج مسیحیت و گسترش ایمان مسیحی و به عبارتی مسیحی سازی (تبشیر) است. اصطلاح تبشیر در قرون اخیر از نظر مفهوم و مصداق توسعه یافته و به هر نوع مأموریت یا خدمت برای اعتلای «کلمه مسیح» در داخل یا خارج جوامع مسیحی اطلاق می‌شود. این اصطلاح، احتمالاً، در قرن شانزدهم توسط ایگناتیوس لویولا برای اشاره به فعالیت‌های تبشیری به کار برده شد.

خاستگاه کتاب مقدسی تبشیر

تبشیر و مسیحی سازی ریشه در کتاب مقدس دارد. طبق کتاب مقدس حضرت عیسی (ع) در آخرین سخنان خود با حواریون که بعضاً از آن به مأموریت بزرگ تعبیر می‌کنند- به آن‌ها فرمان می‌دهد که در میان همه امت‌ها رفته و آن‌ها را شاگرد سازند و به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهند:

«پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و این و روح القدس تعمید دهید.» (متی ۲۸: ۱۹) بر اساس این سخنان وظیفه رسولان و حواریون نه دعوت به مسیحیت، بلکه مسیحی سازی جمیع امت‌ها است. البته این وظیفه منحصر به رسولان و حواریون نبوده و کلیسا و مسیحیت در طول تاریخ، موظف به ادامه این مسیر بوده و هستند.

خاستگاه الهیاتی تبشیر

از نظر مسیحیان، خاستگاه الهیاتی تبشیر برآمده از تثلیث مقدس است. یعنی منشا رسالت تبشیری ناشی از «تبشیر پدر از رسالت پسر و روح القدس» است؛ به این بیان که خدای پدر، پسرش را برای تبشیر فرستاد و بشارت از طریق پسر به کلیسا منتقل شد و روح القدس نیز ضامن استمرار آن در کلیسا شده است و این امر در نهایت بر عهده مسیحیان و کلیسا قرار گرفت.

بر اساس گزارش‌های عهد جدید، تبشیر از همان آغاز بخشی از رسالت عیسی مسیح بوده است. در متون یونانی عهد جدید، واژه evangelion به معنای «خبر خوش» یا «بشارت» برای توصیف این پیام به کار رفته است و واژه «انجیل» در زبان فارسی و عربی نیز در نهایت به همین ریشه یونانی بازمی‌گردد. در عهد جدید محور اصلی دعوت عیسی بشارت به «ملکوت خدا» است؛ حاکمیتی الهی که تحقق آن مستلزم توبه، فروتنی، دگرگونی اخلاقی و آمادگی برای ورود به نظامی جدید از حیات معنوی تلقی می‌شود. با این حال، در سیر تکوین الهیات مسیحی، به ویژه در چارچوب الهیات پولسی و تحت تأثیر آن، تأکید بر مرگ و رستخیز عیسی مسیح جایگاه برجسته‌ای یافت و واقعه صلیب به کانون پیام نجات‌بخش مسیحیت تبدیل شد. در این چارچوب، نجات انسان نه صرفاً در انتظار تحقق ملکوت، بلکه در ایمان به مسیح مصلوب و مشارکت در مرگ و رستخیز او معنا می‌یابد. از این منظر، می‌توان از نوعی بازخوانی از «بشارت به ملکوت خدا» به «بشارت به مسیح مصلوب و برخاسته» سخن گفت. بخش مهمی از جریان‌های مسیحیت تبشیری معاصر، به ویژه در سنت‌های انجیلی و پنطیکاستی، بر همین قرائت تأکید دارند و مرگ کفاره‌ای و رستخیز عیسی مسیح را محور اصلی پیام تبشیری، شرط نجات و مبنای دعوت دینی خود تلقی می‌کنند.

تاریخچه تبشیر در ایران:

- پیش از اسلام، دوران اسلامی و دوره ایلخانی

سابقه حضور مسیحیت در ایران به قبل از اسلام بازمی‌گردد. مسیحی شدن اقلیت‌هایی مانند ارمنه و آشوری و کوچ اجباری ساکنان برخی

از شهرهای فتح شده روم شرقی در جنگ‌های ایران و روم و حضور اسرای مسیحی رومی در ایران، زمینه را برای حضور مسیحیت در ایران فراهم ساخت. آیین مسیحیت در سال‌های آغازین ظهور و مقارن دوران حکومت اشکانیان به ایران راه یافت. اما علی‌رغم تسامح مذهبی حکومت اشکانی، به سبب اختلاف زبان، تفاوت‌های فرهنگی و همچنین رواج آیین زرتشتی در ایران، گسترش آن به کندی صورت گرفت. مسیحیت در این دوران توسط بازرگانان و مبلغان وابسته به کلیساهای ادسا و آریل، در گیلان، گرگان و بین‌النهرین رواج یافت.

با روی کار آمدن سلسله ساسانی، مختصات اجتماعی و سیاسی ایران دگرگون شد. ساسانیان با رسمیت بخشیدن به آیین زرتشت، پیوند عمیقی میان حکومت و نهاد روحانیت زرتشتی ایجاد کردند. با این حال، بزرگ‌ترین چالش برای مسیحیت در قرن چهارم میلادی و در زمان حکومت شاپور دوم (ذوالکثاف) رخ داد؛ زمانی که امپراتوری روم (رقیب و دشمن سنتی ساسانیان) مسیحیت را آن را به عنوان دین رسمی خود اعلام کرد. این رخداد، مسیحیان ایران را در یک بحران امنیتی شدید قرار داد. از این پس، حاکمیت ساسانی مسیحیان داخلی را به چشم هم‌پیمانان و جاسوسان روم و عامل تهدید امنیت ملی نگریست و بدین ترتیب، دوره‌ی آزار، تعقیب و سرکوب جامعه مسیحی ایران آغاز شد.

پس از فتح ایران توسط اعراب و غلبه مسلمانان وضعیت مسیحیان در ایران بهبود یافت و برخی از آن‌ها مسلمان شدند و برخی دیگر از اقلیت‌های مسیحی ساکن ایران (مانند ارمنه و آشوریان) نیز آیین خود را حفظ کردند و قرن‌ها بدون ایجاد تنش مذهبی در ایران ساکن هستند. در قرون اولیه اسلامی مسیحیت عمدتاً در مقابل اسلام مواجهه‌ی انفعالی داشت و تبشیر مسیحی با رکود مواجه شد.

نخستین حمله تبشیری مهم مسیحیت به ایران اسلامی بعد از هجوم مغولان صورت گرفت. در سال‌های پایانی جنگ‌های صلیبی جهان اسلام با تهدیدی جدی از سمت شرق مواجه شد و مغول‌ها یورش سهمگینی را به کشورهای اسلامی آغاز کردند. مسیحیان چنگیزخان را برگزیده خدا می‌دانستند که برای نابودی اسلام انتخاب شده است و از این رو اقدام به برقراری اتحاد سیاسی و نظامی با جنگجویان مغول کردند. در همین راستا، پاپ اینوسنت چهارم هیئت‌های تبلیغی را به دربار مغولان گسیل داشت تا اتحادی میان آنان و اروپای مسیحی علیه ممالک اسلامی برقرار کنند. از سوی دیگر، برای تعمیق این نفوذ، راهبرد فرستادن دختران مسیحی به دربار مغولان جهت ازدواج با شاهزادگان مغولی در دستور کار قرار گرفت؛ هدفی که به دنبال تربیت نسلی از شاهزادگان و مادران مسیحی بود. نمونه برجسته این سیاست، «دقوز خاتون» همسر هلاکوخان بود. پس از هلاکو «آباقا»، فرزند و جانشین او، به مسیحیت گرایید و با دختر امپراتور بیزانس ازدواج کرد. پس از وی فرزند مسیحی او یعنی «ارغون خان» به حکومت رسید. او به عنوان حاکمی مسیحی، سیاست‌هایی را در جهت آزار و اذیت مسلمانان، برکناری آنان از مناصب حکومتی اتخاذ کرد. در این دوره کلیساهای زیادی در ایران ایجاد شد و انجیل دیاتسارون به فارسی منتشر شد. با وجود فعالیت گسترده تبشیری در این دوران، ایرانیان گرایش چندانی به مسیحیت پیدا نکردند و به اسلام پایبند ماندند.

صفویه تا قاجار

دوره صفویه نقطه عطفی در فعالیت مبلّشان مسیحی در ایران به شمار می‌رود. در این دوران، حکومت صفوی و کشورهای اروپایی برای تقویت روابط سیاسی و تجاری خود، به‌ویژه جهت مقابله با تهدید مشترک امپراتوری عثمانی، به برقراری ارتباط متقابل روی آوردند. همین امر، زمینه ورود مبلغان مسیحی را که تحت حمایت قدرت‌های استعماری غربی بودند، به ایران فراهم کرد. مبلغان فرنگی مقیم ایران در بسیاری از موارد به عنوان مشاور، سفیر و نماینده سیاسی حکومت‌های اروپایی در دربار صفوی شناخته می‌شدند.

مسیحیان در پرتو تسامح سیاسی و حمایت‌های دولت صفوی، آزادی عمل فراوانی به دست آوردند. اخذ تأییدیه و فرمان از شاهان صفوی برای فعالیت‌های تبشیری، احداث کلیساها و صومعه‌ها، تألیف و ترجمه کتاب در راستای ترویج مسیحیت و نقد اسلام و برگزاری جلسات مناظره از مهم‌ترین اقدامات این مبلّشان بود. سرآغاز این حرکت تبشیری را می‌توان با ورود پرتغالی‌های کاتولیک به خلیج

فارس هم‌زمان دانست. مبلغان این دوره که عمدتاً از کشورهای چون پرتغال، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا اعزام می‌شدند، همگی متعلق به مذهب کاتولیک و وابسته به فرقه‌هایی نظیر کارملی‌ها، آگوستینی‌ها، فرانسیسکن‌ها، دومینیکن‌ها، کاپوچن‌ها و یسوعی‌ها (ژزویت‌ها) بودند. در این دوره مناظرات شفاهی و نوشتاری زیادی بین مبلغان مسیحی و عالمان شیعه انجام شد که در نتیجه یکی از این مناظرات، کشیش آگوستینی پرتغالی-الاصل به نام آنتونیو دو ژزو، در سال ۱۱۲۲ ق مسلمان شد و نام علی‌قلی جدیدالاسلام را بر خود نهاد و آثاری در رد آیین سابق خود نوشت. علی‌رغم تمام این فعالیت‌ها، در یک برآورد کلی دست‌آورد تبشیر در عهد صفوی موفقیت آمیز نبود؛ این عدم موفقیت ناشی از عواملی چون مقابله علما و روحانیوت با تبشیر مسیحی، دشمنی برخی شاهان صفوی با مسیحیت، تضعیف سیاست عثمانی-مستیزی پس از شاه عباس اول، رقابت و دشمنی جنون-آمیز مبلّشان مسیحی با یکدیگر و مسلمان شدن رهبران مسیحی بود. یکی از نکات جالب توجه عدم همراهی و مخالفت ارمنه ایران با مبلّشان کاتولیک است. این مخالفت‌ها تا آنجا پیش رفت که در سال‌های آخر حکومت صفویه، ارمنه طی منازعه‌ای کنششان کاتولیک را برای مدتی از جلفای نو اخراج کردند.

در دوره سلطه افغانه بر اصفهان، علی‌رغم آشفتگی اوضاع کشور، مبلغان مسیحی تلاش کردند تا با انطباق خود با شرایط بحرانی جدید، موقعیت اجتماعی و سیاسی خود را حفظ کنند. بعد از فروپاشی حاکمیت افغانه، نادرشاه افشار پس از ورود به اصفهان با مبلغان مسیحی و نمایندگان اروپایی دیدار کرد و بدین ترتیب، مبلغان توانستند وضعیت و نحوه تعاملات خود را با ساختار سیاسی جدید مشخص کنند.

در عصر افشاریه، مسیحیان همچنان در امور اقتصادی و اجتماعی شرکت داشتند؛ نادر به مبلّشان اجازه داد که در تمام کشور آزادانه فعالیت کنند و هر فردی می‌توانست بدون ترس از آزار مردم آیین مسیحیت را بپذیرد. با این حال، با وجود صدور فرمان‌های افشاریان مبنی بر آزادی مسیحیان، بروز جنگ‌های داخلی و ناامنی، مشکلات معیشتی و امنیتی برای مسیحیان ایجاد کرد و موجب مهاجرت برخی از آنان و کاهش تعداد مبلّشان مسیحی مقیم ایران شد. سرانجام با قدرت گرفتن کریم‌خان زند و برقراری آرامش نسبی در کشور، فضای مناسبی برای بازگشت بخشی از مسیحیان مهاجر فراهم شد و گروهی از آنان در شیراز (پایتخت زندیه) مستقر شده و به حیات اجتماعی خود ادامه دادند.

قاجار و پهلوی

دوران حکومت قاجار، سرآغاز گسترش مجدد فعالیت‌های تبشیری مسیحی و ورود موج نوین پروتستانیسم به ایران است. در این دوره، ایران به کانونی برای فعالیت مبلغان کاتولیک و پروتستان و انجمن‌های تبشیری وابسته به کلیساها و دولت‌های استعماری غربی تبدیل شد. با کاهش فعالیت‌های کلیسای کاتولیک، مبلغان پروتستان اروپایی و آمریکایی از رقیب کاتولیک خود پیشی گرفتند. در این دوره مبلغان پروتستان انگلیسی، آمریکایی و آلمانی، کاتولیک‌های فرانسوی و ایتالیایی و ارتدوکس‌های روسی به‌طور هم‌زمان در جغرافیای ایران مشغول به فعالیت شدند. اقدامات تبشیری هم از طریق انجمن‌های تبشیری (مانند انجمن تبشیری کلیسا) و هم توسط مبلغان منفرد (مانند هنری مارتین) صورت می‌گرفت. یکی از ابعاد کلیدی این دوره، روی آوردن مبلغان به تبشیر غیرمستقیم از طریق ارائه خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی، در کنار روش‌های سنتی تبلیغ مستقیم کلامی بود. جریان‌های تبشیری با درک خلاءهای ساختاری دولت قاجار، اقدام به تأسیس شبکه‌های از مدارس مدرن، بیمارستان‌ها و چاپخانه‌ها کردند. این نهادها فراتر از کارکرد رفاهی و خدماتی، به عنوان ابزارهای کلیدی قدرت نرم غرب برای کادرسازی فکری، جذب نخبگان و تضعیف مرجعیت فرهنگی نهاد‌های دینی جامعه عمل می‌کردند و عملاً هموارکننده نفوذ سیاسی و استعماری دولت‌های متبوع خود در ایران بودند. علاوه بر این، احداث کلیساهای جدید و بازسازی کلیساهای قدیمی نیز بخش دیگری از کارنامه فعالیت مبلغان در این عصر به شمار می‌رفت.

فعالیت گروه‌ها و سازمان‌های تبشیری در دوران حکومت پهلوی با

شدت ادامه یافت. عواملی چون رویکرد ضد اسلامی حکومت پهلوی و در دسترس قرار گرفتن وسایل و ابزارهای تبلیغاتی جدید، مانند رادیو و تلویزیون، سبب تمایز تبشیر در دوره پهلوی از ادوار قبل شده است. عمده فرقه‌ها و گروه‌های تبشیری که در عصر قاجار در ایران فعالیت می‌کردند، در دوران پهلوی به کار خود ادامه دادند، علاوه بر اینکه گروه‌های جدیدی چون جماعت ربانی نیز به آن‌ها اضافه شدند. مبشرین انگلیسی (مانند انجمن تبشیری کلیسا)، امریکایی (کلیسای انجیلی (پرسبیتترین)، ادونتیست‌های روز هفتم، جماعت ربانی، شاهدان یهوه و مورمون‌ها) و کلیسای کاتولیک عمده فعالیت تبشیری در ایران را بر عهده داشتند. فعالیت پزشکی (مانند ساخت بیمارستان)، آموزشی (نظیر ساخت مدرسه)، انتشاراتی (مانند تاسیس انتشارات) از جمله فعالیت مسیحیت تبشیری در این دوره است. نکته بسیار مهم این عصر، «بومی‌سازی جریان تبشیر» از طریق تربیت مبلغان و شبانان ایرانی بود؛ اقدامی که با هدف زدودن برجسب غربی بودن از این آیین و تثبیت نفوذ آن در جامعه انجام شد.

اگرچه فعالیت‌های جریان تبشیر در دوران قاجار و پهلوی، در میان اقلیت‌های مسیحی بومی (ارمنه و آشوریان) با موفقیت‌های نسبی همراه بود و به شکل‌گیری کلیساهای پروتستان و کاتولیک در میان آن‌ها انجامید؛ اما این تلاش‌ها در میان جامعه مسلمانان توفیق چندانی به دست نیاورد. در واقع، تلاش مبلغان برای جذب مسلمانان، علی‌رغم به‌کارگیری گسترده امکانات و بهره‌گیری از بستر حمایتی یا تسامح‌آمیز حکومت‌های قاجار و پهلوی، در نهایت با ناکامی مواجه شد و دستاورد ملموسی به همراه نداشت.

پس از انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ تبشیر مسیحی در ایران بود. با برچیده شدن نهادهای رسمی میسیونری، فعالیت‌های فیزیکی و آشکار این جریان بسیار محدود شد (البته از اواسط دهه ۸۰ با فراهم شدن بستر مناسب جهت فعالیت تبشیری، گروه‌های مسیحی پیش از پیش در کشور فعال شدند). این رویداد، سازمان‌ها و جریان‌های تبشیری را وادار به بازنگری اساسی در راهبردهای خود کرد؛ فرآیندی که منجر به خروج تبشیر از قالب‌های سنتی و ساختارهای رسمی گذشته و ورود آن به فاز پنهان، شبکه‌ای و مجازی شد.

با گسترش فناوری‌های ارتباطی، «تبشیر رسانه‌ای» به یکی از بازوان اصلی این جریان تبدیل شد. مسیحیت تبشیری با راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و توسعه فعالیت در بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، در پی بی‌اثر ساختن مرزهای جغرافیایی است. این رسانه‌ها با اتکا به شیوه‌های روان‌شناختی، تولیدات پویای رسانه‌ای، تمرکز بر پیام‌های عمدتاً عاطفی و بهره‌برداری از چالش‌های اجتماعی، مخاطبان فارسی‌زبان را هدف قرار می‌دهند. یکی دیگر از نموده‌های عینی این تغییر راهبرد، پیش‌گرفتن استراتژی «جنبش کاشت کلیسا» (CPM) بود که به شکل‌گیری پدیده «کلیساهای خانگی» یا ساختاری تکثیرشونده، مخفی، انعطاف‌پذیر و غیرمتمرکز زیرزمینی انجامید. این شبکه‌ها به جای مباحث کلامی عمیق، بر تجربیات هیجانی، روش‌های غیرمستقیم و جذب فرد به فرد تمرکز دارند. باید گفت که این شکل پست‌مدرن از تبشیر، به دلیل تمرکز بر استحاله هویتی و بهره‌گیری از روش‌های غیرمستقیم و روان‌شناختی، از روش‌های سنتی بسیار خطرناک‌تر ارزیابی می‌شود. نشر و توزیع کتب (از جمله کتاب مقدس)، همکاری با نهادهای بین‌المللی، فعالیت در امور خیریه و ... از جمله اقدامات دیگر این جریان جهت دستیابی به مقاصد تبشیری است.

جریان مسیحیت تبشیری با برخورداری از حمایت‌های مالی و سیاسی برخی دولت‌ها و سازمان‌های غربی، به عنوان ابزاری در خدمت جنگ نرم و تأمین منافع قدرت‌های جهانی عمل می‌کند. رصد و تحلیل فعالیت این جریان‌ها نشان می‌دهد که هدف آن‌ها فراتر از صرف «تغییر دین»، تمرکز بر استحاله هویتی، تضعیف پیوندهای ملی و مذهبی و در نهایت براندازی نظام اسلامی است.

رصد و پایش فعالیت‌های جریان مسیحیت تبشیری در تحولات سیاسی و امنیتی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این جریان، فراتر از فعالیت‌های صرفاً دینی و تبلیغی، در عرصه کنشگری سیاسی و اجتماعی نیز

حضور فعال داشته است. بررسی عملکرد شبکه‌های رسانه‌ای، رهبران و کنشگران وابسته به این جریان در اغتشاشات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه و همچنین در جریان جنگ رمضان، بیانگر حمایت آشکار از اغتشاشگران، حضور میدانی برخی عناصر وابسته به این جریان در صحنه اعتراضات و مشارکت در سازمان‌دهی، روایت‌سازی و مشروعیت‌بخشی به این رخدادها است. همچنین مسیحیت تبشیری در این مقاطع، همراهی و هم‌سوئی خود را با جریان سلطنت‌طلب و به‌ویژه رضا پهلوی آشکارا نشان داده و از پروژه‌های سیاسی این جریان حمایت کرده است. در حوزه رسانه‌ای نیز شبکه‌ها و رسانه‌های تبشیری با تثبیت روایت‌های معارض با روایت رسمی جمهوری اسلامی، در جهت بازنمایی اغتشاشات به عنوان جنبشی آزادی‌خواهانه تلاش کرده و همزمان با حمایت از سیاست‌های فشار حداکثری، تحریم‌ها و حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران، به ارائه تفسیرها و توجیهات الهیاتی برای این اقدامات پرداخته‌اند. مجموعه این کنش‌ها نشان می‌دهد که مسیحیت تبشیری، علاوه بر پیگیری اهداف دینی و هویتی، در امتداد پروژه براندازی نظام اسلامی و در چارچوب راهبردهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران نیز قابل ارزیابی است.

فرقه‌های فعال تبشیری در ایران

از آنجایی که مسیحیت انجیلی و پنطیکاستی نقش پررنگی در جریان تبشیری داخل ایران دارند. به معرفی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم:

- مسیحیت انجیلی

مسیحیت اونجلیکال یا انجیلی، یکی از مهم‌ترین و پرنفوذترین جریان‌های مسیحیت معاصر است که در درون سنت پروتستان شکل گرفته و امروزه میلیون‌ها پیرو در آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و اروپا دارد. واژه «اونجلیکال» از واژه یونانی euangelion به معنای «بشارت» یا «خبر خوش» مشتق شده و به تأکید این جریان بر اعلام پیام نجات از طریق ایمان به عیسی مسیح اشاره دارد. خاستگاه تاریخی اونجلیکالیسم به اصلاح دینی سده شانزدهم میلادی بازمی‌گردد، اما صورت‌بندی کنونی آن عمدتاً محصول جنبش‌های بیداری دینی پروتستان در قرون هجدهم و نوزدهم، به‌ویژه در بریتانیا و آمریکای شمالی است. این جریان تحت تأثیر نهضت‌های احیای دینی، جنبش‌های پیوریتنی، متدیستی و بیداری‌های بزرگ (Great Awakenings) شکل گرفت و به تدریج به یکی از مهم‌ترین شاخه‌های پروتستانیسیم تبدیل شد. دیوید بینگتون، مورخ انگلیسی، ویژگی‌های مسیحیت انجیلی را چنین ذکر می‌کند: نخست، «کتاب‌محوری» (Biblicism) است؛ بدین معنا که کتاب مقدس به عنوان مرجع نهایی ایمان و عمل مسیحی تلقی می‌شود. دوم، «صلیب‌محوری» (Crucicentrism) است که بر نقش نجات‌بخش مرگ و رستاخیز عیسی مسیح و آموزه کفاره تأکید دارد. سوم، «تغییر درونی» یا «تولد دوباره» (Conversionism) است که بر ضرورت تجربه شخصی ایمان و تحول روحانی فرد تأکید می‌کند. چهارم، «فعالیت‌گرایی» (Activism) است که مؤمنان را به مشارکت فعال در تبلیغ انجیل، فعالیت‌های اجتماعی و گسترش ایمان مسیحی فرا می‌خواند. در الهیات اونجلیکال، نجات امری شخصی و مبتنی بر ایمان آگاهانه به عیسی مسیح تلقی می‌شود. از این رو، تجربه «تولد دوباره» جایگاهی اساسی در هویت دینی پیروان این جریان دارد. بسیاری از اونجلیکال‌ها معتقدند که تعلق خانوادگی یا قومی به مسیحیت برای نجات کافی نیست و هر فرد باید شخصاً ایمان خود را به مسیح ابراز کند. به همین دلیل، بشارت دادن و دعوت دیگران به پذیرش ایمان مسیحی، یکی از مهم‌ترین وظایف دینی مؤمنان محسوب می‌شود. از سوی دیگر، هزاره‌گرایی (پیشاهزاره‌گرایی) یکی از باورهای بسیار شایع و جریان‌ساز در میان اونجلیکال‌هاست. اعتقاد به بازگشت قریب‌الوقوع عیسی مسیح و برپایی یک حکومت عادلانه هزارساله بر زمین، نوعی فوریت و اضطراب زمانی به فعالیت‌های تبشیری آن‌ها می‌بخشد. افزون بر این، از دهه‌های پایانی قرن بیستم، بخشی از جریان‌های اونجلیکال (به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا) بر بستر همین نگاه هزاره‌گرایانه و آموزه‌های آخرالزمانی، به حمایت سیاسی و عقیدتی از دولت اسرائیل روی آورده‌اند که از آن با عنوان «مسیحیت صهیونیستی» یاد می‌شود. از منظر سازمانی، اونجلیکالیسم جریان واحد و متمرکزی نیست، بلکه مجموعه‌ای متنوع از کلیساهای شبکه‌های مذهبی، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های میسیونری و رسانه

دینی را دربر می‌گیرد. بسیاری از کلیساهای باپتیست، پنطیکاستی، کاریزماتیک و کلیساهای مستقل در زمره جریان‌های اونجلیکال قرار می‌گیرند. این جریان به دلیل ساختار غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر خود، توانسته است به طور گسترده از ابزارهای نوین ارتباطی، رسانه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال برای گسترش فعالیت‌های تیشیری بهره‌گیرد. از دهه‌های پایانی قرن بیستم، بخشی از جریان‌های اونجلیکال، به ویژه در ایالات متحده آمریکا، با آموزه‌های آخرالزمانی و حمایت از دولت اسرائیل پیوند خورده‌اند که از آن با عنوان «مسیحیت صهیونیستی» یاد می‌شود. از این رو، مسیحیت اونجلیکال را باید جریان گسترده، متکثر و فراملی دانست که ویژگی مشترک آن تأکید بر اقتدار کتاب مقدس، تجربه شخصی ایمان، ضرورت تولد دوباره و رسالت همگانی مؤمنان در بشارت انجیل است.

مسیحیت پنطیکاستی

مسیحیت پنطیکاستی (Pentecostal Christianity) مسیحیت پنطیکاستی، یکی از مهم‌ترین جریان‌های رو به رشد در مسیحیت معاصر است که در آغاز قرن بیستم در بستر پروتستانتیسم انجیلی شکل گرفت. نام این جریان از واقعه «پنطیکاست» یا «روز پنجاهه» در کتاب اعمال رسولان گرفته شده است؛ رویدادی که بر اساس روایت عهد جدید، شاگردان عیسی پس از نزول روح‌القدس توانایی سخن گفتن به زبان‌های مختلف، نبوت و انجام اعمال خارق‌العاده را یافتند. پیروان این جریان معتقدند که تجربه روحانی نخستین مسیحیان همچنان در عصر حاضر نیز قابل تکرار و دستیابی است. کلیسای پنطیکاستی را ابتدا چارلز فاکس پارهام (۱۸۷۳-۱۹۲۹م) و واعظ سیاه‌پوست ویلیام سیمور (۱۸۷۰-۱۹۲۲م) در قالب یک نهضت ایجاد کردند. مهم‌ترین ویژگی الهیات پنطیکاستی، تأکید بر «تعمید در روح‌القدس» است. پنطیکاستی‌ها معتقدند که مؤمن علاوه بر ایمان به مسیح و تجربه تولد دوباره، می‌تواند تجربه‌ای متمایز از حضور و قدرت روح‌القدس داشته باشد که با دریافت مواهب روحانی همراه است. تکلم به زبان‌ها (Glossolalia)، نبوت، شفای بیماران، اخراج ارواح، دریافت الهامات روحانی و انجام معجزات از مهم‌ترین نشانه‌های این تجربه محسوب می‌شوند. در بسیاری از شاخه‌های کلاسیک پنطیکاستی، تکلم به زبان‌ها به عنوان نشانه اولیه تعمید در روح‌القدس تلقی می‌شود. از منظر اعتقادی، جنبش پنطیکاستی در بسیاری از آموزه‌های بنیادین با جریان اونجلیکال اشتراک دارد. اقتدار کتاب مقدس، نجات از طریق ایمان به عیسی مسیح، ضرورت تولد دوباره و اهمیت تیشیر از جمله اصول مشترک این دو جریان هستند. با این حال، پنطیکاستی‌ها پیش از سایر جریان‌های اونجلیکال بر تجربه دینی، حضور فعال روح‌القدس و ابعاد احساسی و عاطفی حیات ایمانی تأکید می‌کنند. مناسک و آیین‌های عبادی در کلیساهای پنطیکاستی معمولاً با شور و هیجان بیشتری همراه است. موسیقی، سرودهای پرستشی، دعاهای جمعی، شهادت‌های شخصی، دعا برای شفا و مشارکت فعال اعضا در مراسم مذهبی جایگاه مهمی در اجتماعات پنطیکاستی دارد. این ویژگی موجب شده است که این جریان برای افرادی که به دنبال تجربه‌ای شخصی، عاطفی و ملموس از امر دینی هستند، جذابیت قابل توجهی داشته باشد. از نظر سازمانی، پنطیکاستیسم ساختاری متکثر و غیرمتمرکز دارد و شامل مجموعه‌ای از کلیساهای مستقل، فرقه‌های سازمان‌یافته و شبکه‌های بین‌المللی است. برخی از بزرگ‌ترین کلیساهای پنطیکاستی جهان در آمریکای لاتین، آفریقا و شرق آسیا فعالیت می‌کنند و در دهه‌های اخیر نقش مهمی در گسترش مسیحیت جهانی ایفا کرده‌اند. افزون بر این، از دهه ۱۹۶۰ به بعد، جنبش کاریزماتیک با انتقال برخی آموزه‌ها و تجربه‌های پنطیکاستی به درون کلیساهای کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان تاریخی، موجب گسترش نفوذ این سنت در بخش‌های مختلف جهان مسیحی شد. امروزه مسیحیت پنطیکاستی یکی از مهم‌ترین جریان‌های فعال در عرصه تیشیر جهانی به شمار می‌آید و بسیاری از کلیساهای تیشیری فارسی‌زبان نیز تحت تأثیر الهیات، معنویت و شیوه‌های تبلیغی این سنت قرار دارند. برای نمونه کلیسای جماعت ربانی که در دوره پهلوی در ایران تاسیس شد و دارای فعالیت تیشیری است، یکی از شاخه‌های کلیسای پنطیکاستی است.

برخی از مبشرین شناخته شده فارسی زبان

کامیل نوایی: کامیل نوایی که به همراه همسرش نادره نوایی فعالیت

تیشیری گسترده‌ای دارد در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده مسلمان به دنیا آمد. در سال ۱۹۸۷ به مسیحیت گروید و در نهایت در آمریکا سکونت گزید. او اکنون کشیش ارشد کلیسای ایرانیان است.

هرمز شریعت: هرمز شریعت یکی از فعال‌ترین مبشرین ایرانی است که چهره‌ای نسبتاً پذیرفته شده در بین مخاطبین مسیحی دارد. او در سال ۱۹۵۵ در یک خانواده مسلمان مذهبی در تهران متولد شد و پس از اقامت در آمریکا به مسیحیت گروید. او موسس و شبان ارشد یک شبکه تیشیری به نام «شبکه هفت» است.

رضا صفا: رضا صفا خبرسازترین و جنجالی‌ترین فعال در حوزه تیشیر به زبان فارسی است. او مجری شبکه نجات است و از جمله اسلام ستیزترین مبشرین ایرانی است. این شخص در سوئد مسیحی شده است. ادعای تکلم به زبان‌ها و شفا دادن بیماران و غیب‌گویی و همچنین داشتن گرایش صهیونیستی از جمله خصوصیات اوست.

النائان باغستانی: وی از مجریان شبکه‌های زنجیره‌ای مسیحی و نیز از مبشران به نام محسوب می‌شود که به همراه همسرش نازنین باغستانی، کارنامه سیاهی در ضدیت با اسلام و جمهوری اسلامی دارند.

ماسان توسلی: ماسان توسلی در زمره افراد تحصیل‌کرده و فعال حوزه تیشیر مسیحی محسوب می‌شود. او در شبکه‌های مختلف (مثل شبکه محبت) به عنوان کارشناس حضور دارد. او در نوجوانی در پرتغال جذب مسیحیت شد. هم‌اکنون ساکن آمریکاست.

جلیل سپهر: وی که در آمریکا سکونت دارد، کشیش کلیسای باپتیست «چشمه حیات» در اوکلاهما سیتی بوده و نقش فعالی در عرصه رسانه و نیز ارتباط و اتحاد میان ایرانیان مسیحی در آمریکا دارد.

ادوارد هوسپیان مهر: وی یکی از مشهورترین مبلغین مسیحیت تیشیری بود که در تاریخ ۵ تیر ۱۴۰۵ در لندن درگذشت. او در یک خانواده ارمنی متولد شد و هایدک هوسپیان مهر برادر بزرگتر اوست. او در سال ۱۹۶۳ و در طی یک تجربه ایمانی فعالیت تیشیری خود را آغاز کرد. او در شهرهای تهران، اصفهان و ارومیه به خدمت شبانی اشتغال داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۳ از ایران خارج شد و در لندن اقامت گزید و شبان کلیسای شمال لندن شد. او همچنین در شبکه‌های ست‌سون و محبت حضوری فعال داشت.

آرمان رشدی: وی در ۱۳۳۲ متولد شد و در سن پانزده سالگی به آیین مسیحیت درآمد و در سن ۱۹ سالگی خدمت کلیسایی خود را آغاز کرد. او را بیشتر بخاطر ترجمه کتب مسیحی می‌شناختند. او در سال ۱۳۷۶ به انگلستان رفت و به کار ترجمه کتب مشغول شد. او در سال ۲۰۲۰ از دنیا رفت.

مهرداد فاتحی: فاتحی یکی از معدود صاحب‌نظران مسیحیت فارسی است که سالیان زیادی در تعلیم و موعظه و شاگرد سازی در کلیساهای فارسی زبان فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۶۰ در لاهیجان متولد شد و با مسیحی شدن پدرش مسیحی شد. او تحصیلات تکمیلی خود در مقطع دکترا را در دانشگاه ویکلیف انگلستان ادامه داد. رشته تخصصی او مطالعات عهد جدید است.





نگارنده: محمدحسین پیشاهنگ

ایرانیان خارج از کشور مطرح است. دلیل این مسئله نیز استفاده از روش‌های تبلیغی فراگیری چون شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و کلیساهای خانگی است.

البته در سالهای نخستین فعالیت، به طور طبیعی در برخی استانها که زمینه اجتماعی بیشتری برای جذب داشت، حضور پررنگ‌تری داشتند (مانند استان تهران، استان البرز و شهر کرج، شهر رشت و...) ولی اولاً امروز آلودگی و درگیری در تمام استانها دیده می‌شود، اگرچه همچنان مراکز استان‌ها، کلانشهرها و استانهای برخوردار (از نظر امکانات) از جمله پایتخت کشور (زنگ خطر!)، همچنان از میزان آلودگی بیشتری رنج می‌برند. دلیل آن نیز وجود زمینه اجتماعی بالاتر یعنی نزدیکی بیشتر به فرهنگ غربی و گسست بیشتر از فرهنگ‌های بومی (محلی، ملی و اسلامی) است.

۳. ساختار غیر متمرکز

سازمان تبشیر مسیحی از نظر ساختاری و سازمانی غیر متمرکز بوده و امکان پایش و رصد کانونی یا شبکه‌ای ندارد. به این معنا که مانند سایر فرقه‌ها یک نقطه کانونی یا سازمان ریاستی نداشته و تشکیلات هرمی ندارد که بتوان با رصد تشکیلات یا شبکه سازمانی، اشراف اطلاعاتی نسبت به آن پیدا کرد.

مهمترین دلیل این ویژگی نیز استفاده از «کلیساهای خانگی» است که طرح آن توسط آرمان رشدی (از معلمین و رهبران برجسته مسیحیت تبشیری) برای منطقه خاورمیانه تهیه و اجرا شد.

۴. بی نام و نشان

از نظر ظاهری هیچ نشانه، نماد یا مشخصه خاصی در پوشش یا آرایش پیروان مسیحیت تبشیری دیده نمی‌شود که آنها را از زمینه اجتماعی‌شان جدا کند. برخی از فرقه‌ها برای ساختن هویت مشترک بین پیروان و نمایش حضور بیشتر، از پوشش خاص یا حتی نوعی آرایش خاص (چه مردان و چه زنان) استفاده می‌کنند که موجب شناسایی و تفکیکشان از جامعه پیرامونی می‌شود. اما در مسیحیت تبشیری با هدف حفظ پیروان در جامعه نخستین و تبدیل آنها به مبلغ تبشیری، تأکید می‌کنند پیروان این آیین باید مطابق آداب و رسوم

مطابق با گزارشهای میدانی از کنشهای فرقه‌ای، مهمترین جریان فرقه‌ای که بالفعل و بالقوه یک تهدید فکری، فرهنگی و امنیتی محسوب می‌شود، مسیحیت تبشیری است. دلایل این اهمیت را در می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. کمیت و عوامل جذب

مسیحیت تبشیری از نظر کمی بیشترین جذب را نسبت به سایر فرقه‌های انحرافی دارند؛ زیرا بیشترین و متنوع‌ترین ابزارها، روش‌ها، تاکتیک‌ها و کانال‌های جذب را در اختیار دارند:

از شبکه‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی ۲۴ ساعته تا هزاران صفحه و کانال و گروه در فضای مجازی،

از شبکه انسانی معتادان گمنام (۰۰۰) تا کلینیک‌های درمانی و روان درمانی وابسته،

از شبکه گسترده توزیع کتاب مقدس تا تبلیغ پنهان در هزاران عنوان کتاب، مجله یا فیلم و سریال،

از فعالیت صدها کلیسای فارسی زبان خارج از کشور تا رقمی نامعلوم از کلیساهای خانگی داخل کشور،

از حمایت مالی دولتهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا تا حمایت‌های کنسولی برای اعطای پناهندگی به نوکیشان مسیحی،

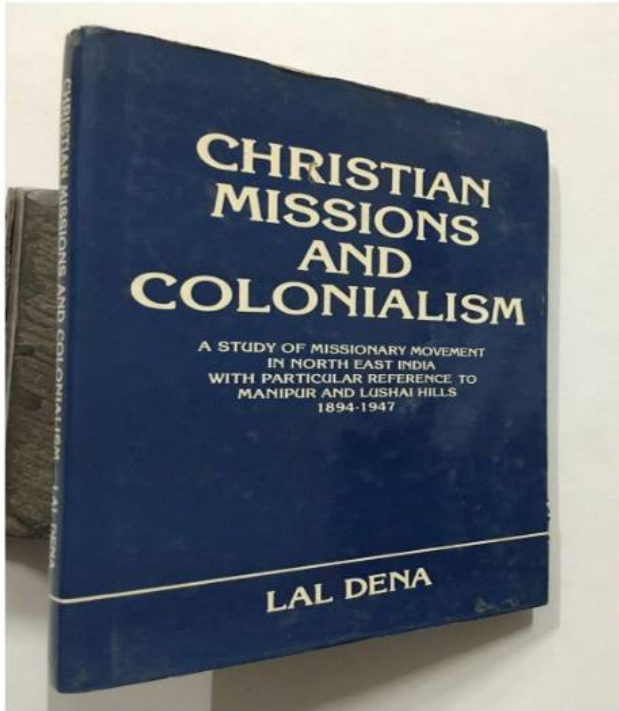
از شعار محبت و جذب اقبال طرد شده اجتماعی (معتادان، فواحش) تا ایجاد امید به شفای بیماران صعب‌العلاج یا مادرزاد (عطیه شفا)،

از شریعت‌گریزی و سهولت دینداری تا وجود جاذبه‌های ظاهری و غریزی در جلسات کلیسایی (خصوصاً کلیساهای خانگی)

و همچنین وجود این تصور که مدرنیته و پیشرفت‌های تمدن غرب، همه برآمده از آموزه‌های مسیحیت است.

۲. پراکندگی

مسیحیت تبشیری از نظر پراکندگی، بیشترین پراکندگی را در میان فرقه‌ها داشته و مسئله‌ای ملی بلکه فراملی است. زیرا نه تنها مانند برخی فرقه‌ها یا برخی ادیان و مذاهب، مسئله‌ای مرتبط با یک یا چند قومیت خاص نیست بلکه از نظر جغرافیایی نیز محدود به یک یا چند استان خاص نبوده و حتی به عنوان یک تهدید جدی در میان



فرهنگی جامعه خود عمل کنند و حتی حق ندارند اسم خود را از زمینه ملی یا حتی اسلامی تغییر بدهند. (رضا صفا و هرمز شریعت از مهمترین تلونجلیستهای فارسی زبان هستند که با وجود زندگی در خارج کشور، نام خود را عوض نکردند)

گرچه در مسیحیت نشان یا نماد صلیب وجود دارد ولی مسیحیان تیشیری اصراری بر استفاده از آن جز در جلسات کلیسای خانگی ندارند و در صورتی که استفاده هم کنند به دلیل رواج صلیب و نمادهای دیگر مسیحیت مانند تابلوی شام آخر و هضم و پذیرش آن در بستر فرهنگی بخشی از جامعه به عنوان نماد فرهنگ غرب (و نه نشان گرویدن به آیین مسیحیت) کارکرد نمادشناسانه خود را ندارد.

«ارتباط فکری و عملی مستقیم با صهیونیزم» نیز یکی دیگر از عوامل تهدیدساز این فرقه است که شرح آن مجال مستقلاً می‌طلبد.

اما شایان ذکر است که مسیحیت تیشیری با تمام این امکانات، ویژگی‌ها و پیچیدگی‌ها، نقاط ضعفی نیز دارد که اگر به درستی مورد پایش و بهره‌برداری قرار گیرد، می‌تواند تمام این تهدیدها را بی‌اثر کرده و شبکه مسیحیت تیشیری را در تور اطلاعاتی قرار داده و آن را ضربه پذیر سازد.

نگاهی به تفاوت‌های مسیحیت تیشیری با جریان مسیونری

یکی از مسائل پیش روی جمهوری اسلامی ایران، پیدایش، گسترش و مواجهه با مسیحیت تیشیری است. این پدیده که ابتدا به ساکن یک مسئله اعتقادی به نظر می‌رسد، دارای تبعات گوناگون در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و حتی امنیتی است. هرچند تبیین این پیامدهای ترکیبی، پیچیده و چندوجهی، مجال دیگری می‌طلبد اما لازم است ابتدا با شناخت بهتری نسبت به مسیحیت تیشیری، حضور و پدیداری آن را مورد بررسی قرار دهیم.

ممکن است این تصور وجود داشته باشد که تیشیر مسیحیت همان مسیونری مسیحی است و این دو مفهوم یکی قلمداد شود. از آنجایی که این خطای شناختی ممکن است در مواجهه ما با این پدیده خدشه وارد کند، لازم است تفاوت این دو را نیز برشمریم.

مسیحیت تیشیری، در واقع ترجمه فارسی مسیحیت انجیلی یا اوانجلیکال (Evangelical Christianity) است که فرقه‌ای از مذهب پروتستان و شاخه‌ای از مکتب مسیحیت صهیونیستی است و غیر از جریان مسیونری سنتی در مسیحیت است. مهمترین تفاوت عملی این دو، در رابطه بین دینداری مسیحی و مسیونری یا تبلیغ مسیحیت است.

در مسیحیت سنتی، مسیحیان موظف به حفظ ایمان خویش بوده و حتی کشیشان نیز موظف به حفظ و تقویت ایمان ایمانداران هستند و تنها گروهی از کشیشان، با مأموریت مسیونری، موظف به ترویج مسیحیت و گسترش این آیین در جوامع غیر مسیحی هستند.

اما در مسیحیت تیشیری، تبلیغ و ترویج مسیحیت یا به تعبیر خودشان تیشیر لاهوت انجیل به تمام امت‌ها از وظایف مهم و آخرالزمانی همه مسیحیان است. از این رو تمام ایمان داران موظف به تبلیغ این آیین جدید بوده و حتی مسیحیان نیز در فرایندی به نام تولد دوباره، باید دوباره تعمید گرفته و در کسوت مسیحی انجیلی درآمده و به یک ایمان‌دار مبلغ کلیسای انجیلی تبدیل شده تا رستگار شوند. در واقع مسیحیت انجیلی از هر ایمان‌دار مسیحی قدیمی یا نوکیش مسیحی یک مسیونری یا مبلغ انجیلی می‌سازد.

مهمترین تفاوت دیگر بین این دو جریان مشابه، رابطه با صهیونیزم جهانی است. مسیونرهای مسیحی به دلیل وابستگی فکری به کلیسای کاتولیک یا حتی دیگر کلیساهای سنتی، اولاً وابستگی فکری و عملیاتی به سازمان کلیسا دارند، دوماً به جهت تاریخی (نقش یهود در تصلیب عیسی) نگاه مثبتی به یهود و صهیونیزم ندارند.

اما مسیحیان انجیلی، هم به دلیل زیربنای پروتستانی و لوتری و گرایش خاص به عهد عتیق، با یهود رابطه بهتری دارند و هم به دلیل

اشتراکات زیاد در آموزه‌های آخرالزمانی با صهیونیزم، عملاً شاخه‌ای از مسیحیت صهیونیستی بوده و با صهیونیست‌ها پیوند فکری و عملی برقرار می‌کنند.

از اینرو بیش از خود یهودیان، دغدغه تشکیل دولت یهودی در بیت المقدس را داشته و منتظر جنگ آرماگدون یا تشکیل یک دولت مسیحی در ایران هستند.

همچنین عدم تمرکز گرایی کلیسای پروتستان‌ها، موجب شده است کلیساهای اوانجلیکال بیش از آنکه به سازمان کلیسا، جامعه مسیحی و دغدغه‌های ایمانی و معنوی آن تعهد داشته باشند، از نظر فکری وابسته به نظام آموزه‌های تیشیری و آخرالزمانی کلیسای انجیلی بوده و از جهات عملی، وابسته به اسپانسرهای مالی خود یعنی دولت ایالات متحده آمریکا باشند.

به همین جهت است که کلیسای انجیلی یا مسیحیان تیشیری، خود را مکلف به پشتیبانی از سیاست‌های ایالات متحده به ویژه سیاست‌های جنگ طلبانه و توسعه طلبانه آخرالزمانی در حمایت از رژیم غاصب و جنایتکار صهیونی می‌دانند.

